

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طـــــــنــــز



کپ در بین ما باشه

شنیدم (طالبه سیمین) ، زده زنگی به (مسکینار)
پشیمان است و هم نادم ، ز هر رفتار ناهنجار
تولا و تمنا کرده حتا ، ریخته اشکی ،
دوباره آید و از شهرت دین ، باشه برخوردار
بالاخر آمده دفتر ، فشاری داده زنگ در
به کامره چهره اش ابتر ، نمایان گشته چون بیمار
عجب بی شرم و بی همت ، چه سان بی ننگ و بی غیرت
به بی آبی و پُروئی ، پُرانده ، قیزه و افسار

گهی پالانِ نو خواهد ، گهی تجدیدِ نعلینش
بَرَدِ بارِ عربها و ، کشد پُشتارِ حکمتیار
به تعویضِ جُل و پُوستک ، همیشه سخت میکوشد
گهی سنجاب و گه از خز ، گهی از اطلس و توار
گهی نرم و ملایم گه ، خفیف و گاه ، تُند و تیز
به هم‌رنگِ لباس و مُودِ روز ، آرایش و سنگار
به (مسکینیار) زاری کرده و ، گفتا! غلط کردم
نفهمیدم مرا بخشا ، نگردد بعد ازین تکرار
ز شیخانِ عرب بگرفته پردازم حضورِ تو
به بوجی بوجی سیم و زر ، و پوند و دالر و دینار
گپ از دالر میان آمد ، (نبیلش) بر زبان آمد
تعارف چای و قند و قهوه او را کرد چندین بار
ولی (سیمین) ، به لحنِ تُند گفتا ! من مسلمانم
که ماهِ روزه است و ، روزه دارم ، توبه ، پرودگار
(نبیلش) با خجالت در عرق خیسید و شد قرمز
بگفتا معذرت خواهم ، که نانجور هستم و تبار
خلاصه آشتی کرده ، توافُقنامه ای باهم
به مهر و شست و امضاها ، مُزین ، زیب و زینتدار
شروع شد فتنه ها الآن ، پلانِ شومِ شان چالان
که با اعراب و پاکستان ، جهان را پُر کنند از خار
یکی با مذهب و بادین ، دگر با عُقده و باکین
بسی با ناز و با تمکین ، یکی تگ دیگری تگمار
چلی ها و سیاسی ها ، بالآخر یک یکی رُسوا

نقاب از روی شان بالا ، نمایان چهره غدار

ز یاران خواهشی دارم ، که گپ در بین ما باشد

مبادا دیگران آگه ، و گپ از گپ شود مُردار

ز پشم کُرک انگلیس و ، ز تار خام امریکا

به (سیمین لجر) چادر ، به (مسکینیار) ، کُت و شلوار

ولی « نعمت » ز نغز شعر ، بر هردو پزد آشی

که نوش جان شان با اشتها و مزه بسیار